



... انبیایی که ... اخبار نمودند، تفتیش و تفحص می کردند ... و بدیشان مکشوف شد که نه به خود بلکه به ما خدمت می کردند، در آن اموری که شما اکنون از آنها خبر یافته اید از کسانی که به روح القدس که از آسمان فرستاده شده است، بشارت داده اند و فرشتگان نیز مشتاق هستند که در آنها نظر کنند.

اول پطرس ۱: ۱۰-۱۲

آیا ارزش نجاتی را که به عنوان هدیه دریافت کرده ایم، می دانیم؟



برای برخی از افراد، ارزش مادی هدیه ای که دریافت می کنند مهم است. برای برخی دیگر، نفس هدیه گرفتن و ارزش معنوی آن و برای برخی نیز هر دو؛ یعنی هم ارزش مادی و هم ارزش معنوی هدیه از اهمیت برخوردار است. افرادی نیز وجود دارند که روش دریافت هدیه برایشان بسیار مهم است. بدین معنا که دوست دارند قافلگیر شوند و یا در موقعیتی خاص هدیه شان را دریافت کنند.

تا به حال به نجاتتان از زاویه هدیه بودنش نگاه کرده اید؟ نجات هدیه ای است گران بها از طرف خداوند به تمامی کسانی است که آن را قبول کنند (افسیسیان ۲: ۸، رومیان ۳: ۲۴، ۶: ۲۳، ۴: ۴، ...). خداوند از زمانیکه با انسان رابطه برقرار کرد، راجع به این هدیه و فراهم آوردنش در زمانی مشخص، به او آگاهی داد. پطرس در آیات بالا می نویسد که انبیا درباره چگونگی این هدیه و چگونگی به انجام رسیدن آن نگاشته اند.

درست است که انبیا نیز انسان بوده اند و مانند ما مرتکب گناه شده اند و معصومیتی برایشان وجود نداشته ولی به خاطر اینکه خداوند برای رساندن پیامش به دیگر انسان ها از آنها استفاده کرده است و توانسته بودند در فاصله نزدیک تری به خداوند حاضر شوند، در دیدگاه ما از جایگاهی ویژه برخوردار هستند. صحبت پطرس به این مضمون است که حتی انبیایی همچون اشعیا که خبر چگونگی به انجام رسیدن این نجات و جزئیات آن را می نوشتند (مثلاً در اشعیا ۵۳)، زمان به انجام رسیدن آن و اینکه از طریق چه کسی این هدیه برای انسان دست یافتنی خواهد شد، اطلاع نداشتند. به عبارت دیگر، انبیا تنها نگارنده پیامی بودند که خداوند به آنها اعلام می کرد ولی خودشان علیرغم اشتیاقی که برای اطلاع از نحوه به انجام رسیدن آن اتفاقات داشتند، درمی یافتند که آن پیش گویی ها را برای استفاده دیگران می نویسند نه برای خودشان!

بعید می‌دانم که کسی خود را در مقایسه با یک نبی مثل اشعیا یا هر نبی دیگری، بزرگتر، بالاتر و یا نزد خداوند محبوب‌تر بداند ولی چیزی که از کلام خداوند درمی‌یابیم این است که خداوند رازی را برای ما آشکار کرده است، که برای تمام افرادی که پیش از عیسای مسیح بر روی زمین زندگی کرده‌اند مخفی بوده است (افسیان ۳: ۳)، حتی انبیایی که خود درباره آن راز می‌نوشته‌اند! عیسای مسیح هم به همین دلیل می‌گوید "...کوچکترین در ملکوت خدا، از یحیای تعمید دهنده بزرگتر است." (متی ۱۱: ۱۱، لوقا ۷: ۲۸). ارزشی که خداوند برای ما قائل است تنها به این نیز ختم نمی‌شود؛ آنانی که خبر این نجات را به ما رسانده‌اند، یعنی مبشرین و واعظان کلام خدا، توسط روح القدس به سمت ما فرستاده شده‌اند نه به شکلی تصادفی یا با اراده خودشان! بدین معنا که ما به صورت اتفاقی خبر خوش نجات را نشنیده‌ایم بلکه در ورای دید انسانی، نقشه‌ای کاملاً حساب شده در جریان بوده است و این خود تأییدی دیگر بر ارزش ما نزد خداوند است.

پطرس در ادامه می‌گوید حتی فرشتگان نیز مشتاقند که به این هدیه زیبا و روش فراهم آمدن آن نگاه کنند. نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد این است که فرشتگان تنها می‌توانند به این هدیه نگاه کنند ولی نمی‌توانند از آن استفاده کنند چرا که این هدیه به صورتی ویژه، و تنها برای من و شما فراهم شده است، یعنی برای نوع بشر!

هدیه‌ای که خداوند به ما تقدیم کرده است، به قیمت همه چیزش، یعنی قطع شدن رابطه کاملی که از ازل بین اعضای تثلیث برقرار بود، تمام شد؛ هرچند برای یک لحظه! به قیمت شکنجه و مصلوب شدن خدای پسر به دست ما گناه کاران! من و شما به شکلی ویژه برای خداوند ارزشمند هستیم ولی آیا ارزش هدیه‌ای چنین گران بها را به درستی می‌دانیم؟

ای پدر آسمانی! تو چقدر سخاوتمندی! چقدر پر جلالی! چقدر نیکویی! چقدر با محبتی! عکس العمل طبیعی در مقابل تو، زانو زدن و پرستش است ولی من خیلی وقت‌ها فراموش می‌کنم که دائماً در حضور تو هستم و به جای ستایش و پرستش تو، ناشکری و حتی گناه می‌کنم. ای پدر! ناخودآگاه درگیر دنیا و مشکلات آن می‌شوم و فراموش می‌کنم چه هدیه ارزشمندی را از تو دریافت کرده‌ام. لطفاً مرا ببخش و دائماً به یادم بیاور که برایم چه‌ها که نکردی! تو تنها لایق ستایش و پرستشی ای قدّوس بی‌همتا! ای شاه شاهان!

